

آینده پژوهی و مدل جامع تمدن سازی جوامع

پیشرفت و تعالی جوامع در گرو داشتن برنامه و سیاست گذاری مناسب است. برای تدوین چنین برنامه هایی از دانش آینده پژوهی استفاده می گردد. جهت اتخاذ رویکردها و همچنین نحوه بکارگیری روش های گوناگون آینده پژوهی در سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و تدوین اسناد راهبردی، درک مفهوم این موضوع و کلیات مرتبط با آن و نیز جانمایی اسناد و سیاست ها ضروری است

آینده پژوهی علیرغم ماهیت فرارشته ای خود، از ویژگی هایی برخوردار است که آن را در زمره فناوری های نرم اجتماعی قرار می دهند به عبارت دیگر آینده پژوهی، علم و فن لازم برای ایجاد اقدام اجتماعی هوشمندانه و موثر از طریق تفکر آینده نگر می باشد و به تمام ابعاد و کالبد جامعه و حوزه های فکری رفتاری مربوط می شود. براین اساس از اصول این علم و مدل های آینده پژوهی با رویکرد تمدن سازی در تهیه و تدوین برنامه ها و نقشه راه های کشورها استفاده می شود.

موضوع آینده پژوهی، جامعه است که دارای ابعاد درونی، پنهان و بیرونی می باشد. هر جامعه دارای سیر گذشته و تاریخی بوده و در حال حرکت به سمت آینده می باشد. گذشته و تاریخ جامعه عینیت یافته است و می توان براساس روندها و اتفاقات گذشته آن، آینده های ممکن^۱ و احتمالی^۲ را ترسیم نمود. در این ارتباط مفهوم رصد جامعه و پویای محیطی، مفهوم کلیدی بوده که ضمن بررسی وضعیت حال و گذشته جامعه، زمینه آینده نگری^۳ را فراهم می آورد.

از سوی دیگر، پیشرفت هر جامعه از وظایف حاکمیت بوده و حاکمیت، ضامن و تعیین کننده مسیر آینده جامعه است. حاکمیت این امر را از طریق نظام سازی و تقسیم کار در بخش ها و بازیگران مختلف در جامعه انجام می دهد. حاکمیت بر اساس یک منطق و فلسفه پذیرفته شده توسط جامعه که دکرترین نام دارد، حکومت و اعمال قدرت می نماید چرا که حاکمیت جزئی از جامعه بوده و خود نیز تحت تاثیر قواعد و نظام فرهنگی (ارزشی، فکری و رفتاری) و به عبارتی گفتمان جامعه می باشد و هرچه تطابق بین حاکمیت و نظام فرهنگی و یا گفتمان جامعه بیشتر باشد، مشروعیت حاکمیت بالا می رود.

آنچه که مهم است تحقق آینده مطلوب و مرجح به عنوان غایت آینده پژوهی می باشد و برای این منظور شناخت روابط موجود در لایه های مختلف جامعه (لایه های درونی ناملموس و بیرونی ملموس) و ایجاد نظم جدید براساس دکترین^۴ ضروری است.

بر اساس منطق آینده پژوهی انتقادی که ترکیبی از رویکرد هنجاری و اکتشافی است، ضمن توصیف آینده به خلق آینده مطلوب می پردازد و برنامه ها و اسناد بالادستی مبتنی بر آن شکل می گردد، لذا از نظر مرتبه ای در راستای تمدن سازی

۱. آینده ممکن (Possible): آینده ای که محال نباشد و می تواند محقق گردد.

۲. آینده محتمل (Probable): آینده ای که در میان آینده های ممکن، احتمال وقوع بیشتری دارد.

³. Forecasting

۱. Doctrine

ابتدا لازم است مکتب یا پارادایم غالب تبیین شده و مبتنی بر آن گفتمان، فلسفه و عقلانیت حکومت شفاف گردد و سپس قانون اساسی کشور مبتنی بر دکتترین، حاکم شود. سپس براساس دکتترین و قانون اساسی کشور، الگوی پیشرفت جامعه و سیاست های کلی حاکم بر نظامات اجتماعی تدوین شود؛ چشم انداز یا وضعیت مطلوب براساس دکتترین، الگو و سیاست های کلی شکل می گیرد و متناسب با آن الزامات چشم انداز و سپس نقشه راه مشخص می گردد و بعد از آن سیاست های اجرایی برنامه های پیشرفت و همچنین تفصیل برنامه های ۵ ساله پیشرفت و برنامه های یکساله بودجه شکل می گیرد.

لذا جهت تمدن سازی نظام نوین اسلامی پیشنهاد می گردد با یک گفتمان و فلسفه واحد، کلیه اسناد بر اساس دکتترین و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به صورت یکپارچه بازنگری گردد و بر اساس آنها مسیر گذشته مورد نقد و بررسی و از تجارب آن برای آینده استفاده گردد.